

## منشور منیر (شناسایی متن اصلی تفسیر المیزان، ترجمه‌ها و خلاصه‌ها و فهارس آن)

○ عبدالله اصفهانی

انوار تابناک

ذهن حمل شود و سپس آدمی آنها را بر دوش قرآن و حدیث بگذارد و در واقع علوم گوناگون باید این زمینه را فراهم کند تا ما با آمادگی بیشتری به خدمت قرآن برویم و از این آقیانوس مقدس بهره گیریم.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در برابر مسائلی که در اجتماع می‌گذشت احساس مسئولیت کرد و این ویژگی را در متن زندگی خود وارد نمود و با شناخت موقعیت حساس و مقتضیات زمان، تکلیف خویش را به خوبی شناخت و با تمام رنج‌های چندین ساله با جان و دل پذیرفت که احتیاجات واقعی نسل‌های تشنه حق را پس از شناسایی، در حد توان و امکانات برآورده سازد. از این جهت در زمانی که تدریس فقه و اصول، ارزش تلقی می‌گردید و زمینه ساز مرجعیت عامه و اشتهار اجتماعی بود و از رهگذر آن می‌توانست موقعیت علمی و فرهنگی فوق‌العاده‌ای به‌دست آورده خود را قنای عمل به تکلیف کرد و پرداختن به موضوعات قرآنی را ضروری‌ترین موضوعات دانست.<sup>۲</sup>

علامه خود در این باره می‌نویسد: «هنگامی که از تبریز به قم آمدم مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه علمیه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد تا مفاهیم

مفسر عالیقدر و حکیم الهی علامه سید محمدحسین طباطبایی در زمره حکیمانی است که نور حق در وجودش نفوذ کرد و وی را به مقامات عالی معنوی و علمی رسانید و آن اندیشمند وارسته را به صورت شخصیت نامدار و برجسته‌ای درآورد که اسوه اخلاق و پرهیزگاری و بحری غنی از معارف اسلامی و عرفان اسلامی بود. او این مقامات عالی و رتبه‌های روحانی را به سادگی به دست نیاورد و در راه اعتلای حق، تزکیه درون، صفای باطن و نیز زهد و فضیلت‌های انسانی با اخلاصی کم‌نظیر و صداقتی کم‌بذیل گام‌های مهمی برداشت و با این خصال پسندیده و توانایی‌های علمی و تلاش‌های حکیمانه، خود را بر ساحل قرآن و عترت رسانید و همچون منشور منیری مباحث قرآنی و روایی را تبیین نمود و به تحلیل و بررسی معارف قرآنی و روایی پرداخت. با قرآن معارف الهی را دریافت و با استناد به کلام وحی به تشریح مباحث اعتقادی، کلامی و عرفانی پرداخت، به برکت علوم قرآنی، معارف دینی را در عصر خویش احیا کرد و کوشید تا افکار را بیدار کند، اندیشه‌ها را غنا ببخشد و با نور الهی در میان مردم بسر برد. در بحث‌های علمی تخصصی مطالب تفسیری شرح صدر خاصی داشت و عقیده داشت علوم و دانسته‌های بشری نباید چون باری بر دوش

حسینی تهرانی، از شاگردان میرز آن حکیم عالی مقام نوشته است: این تفسیر به قدری جالب و زیبا و دلنشین است که می‌توان آن را به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب‌ها و مذاهب‌ها فرستاد و بر این اساس آنان را به دین و مذهب تشیع فراخواند.<sup>۵</sup>

علامه طباطبایی افزون بر تبیین آیات و تفسیر ظاهر قرآن و گشودن ابهام‌ها و بی‌چیدگی‌های آیات در غالب بحث‌هایی مستقل با تکیه بر قرآن و بهره‌وری از انوار تابناک آن، صدها معضل و مسئله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عقیدتی را گشوده و بن‌بست‌های موجود در این زمینه‌ها را رفع کرده است.<sup>۶</sup> به گفته یکی از شاگردان بلند آوازه علامه طباطبایی که خود در حکمت، اخلاق و مباحث اعتقادی و نکته‌سنجی‌های تفسیری مهارت دارد:

«مرحوم علامه طباطبایی در ضمن تدریس تفسیر قرآن به مسائل اجتماعی که می‌بایست قدریجا جامعه ما با آنها آشنا بشود و برای آنها از مدارک اصيل اسلامی راه حل بیابد توجه خاصی مبذول می‌نمود. این کتاب (المیزان) منشأ آن شد که تمام گویندگان و نویسندگان اسلامی برای تحقیق در مسائل دین، فرهنگ جامعه، اقتصاد، سیاست، تاریخ و سایر ابعاد زندگی انسان به آن مراجعه کرده از رهنمودهای استاد در حل همه این مسائل بهره بگیرند. یعنی تفسیر المیزان کلید حلی بود برای همه مشکلات فرهنگی و دینی جامعه‌ای که در راه تکامل و فراهم آوردن زمینه‌های انقلاب اسلامی قدم بر می‌داشت.»<sup>۷</sup>

این ژرف‌کاوی، همه جانبه نگری و مقاصد هوشمندانه در تفسیر المیزان با حالاتی چون فضیلت‌های اخلاقی، تزکیه و حالات معنوی علامه طباطبایی در آمیخت و اثری پدید آمد که بی‌گمان در جریان تفسیر نگاری بی نظیر است؛ آن مفسر عظیم‌الشان چنان حالات روحانی داشت که وقتی به آیات رحمت، غضب و توبه بر می‌خورد دگرگون می‌شد و سرشک از دیدگانش جاری می‌شد و در این حالت به شدت منقلب می‌گردید. استاد محمداقبر موسوی همدانی می‌گوید: «در یکی از روزهای زمستانی که زیر گرسی نشسته بودیم و من تفسیر فارسی را می‌خواندم و ایشان متن عربی را، بحث درباب آموزش گناهان و رحمت پروردگار بود تا اثر ایشان در آن موقع به حدی بود که نتوانست به گریستن بدون صدا اکتفا کند و با صدای بلند گریست».<sup>۸</sup> این حالات حاکی از صداقت، اخلاص و پاکی نفس مولف تفسیر المیزان است و می‌توان بدون اغراق گفت که همین خصال پدید آورنده‌اش اثر مزبور را به حدی در میان تفاسیر دیگر برجسته و ممتاز ساخته است که شهید مطهری درباره‌اش گفته است: «تفسیر المیزان یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید

اولای اصيل‌ترین متن اسلامی و عظیم‌ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند.»<sup>۹</sup>

انگیزه دیگر علامه طباطبایی این بود که در دهه‌های اخیر تفاسیری براساس نیازهای جامعه نوشته شود. وی در برابر تهاجم فرهنگی غرب می‌کوشید به جامعه القا کند که هدف اصلی قرآن تربیت انسان‌ها است و این کتاب آسمانی برای همین منظور نازل شده است. شیخ محمد عبده، تفسیر المنار را نوشت و نیز سیدقطب با نگارش تفسیر فی ضلال القرآن به جنبه‌های اجتماعی و تربیتی قرآن پرداختند. اگرچه این تفاسیر نکات آموزنده‌ای داشتند، دو اشکال داشتند نخست این که یکی از ابعاد قرآن را پی گرفته بودند و دوم اینکه دیدگاه آنان از چشمه‌های حکمت اهل بیت (ع) بهره نگرفته بود؛ افرادی چون طنطاوی هم به اشارات علمی قرآن توجه کرده بودند، علامه طباطبایی از این وضع احساس نگرانی کرد و در حقیقت می‌خواست همان هدف این مفسران را در پرتو مکتب عترت مطرح کند. به دیگر سخن دیدگاه آنان را تصحیح کرده و تشخیص‌های اشتباه آنان را روشن نماید. بنابراین تفسیر علامه طباطبایی در واقع تکمیلی است برای تفاسیری که در عصر ایشان عرضه شده‌اند، اما نخواستند مثل آنان در جنبه‌ای خاص توقف کنند بلکه تنها مسائلی را دنبال کردند که پایه رشد جوامع انسانی در زمینه‌های گوناگون به شمار می‌رود؛ بی جهت نیست که برخی از اهل نظر از المیزان به عنوان تفسیر جامع نام می‌برند زیرا گرایش خاصی در آن وجود ندارد و عده‌ای از علمای معاصر آن را گنجینه‌ای از اندیشه‌های اسلامی دانسته‌اند که مسائل آن در سطح بسیار بالا و با نوآوری‌های بسیار قابل توجهی مطرح شده است.<sup>۱۰</sup>

مؤلف گرانمایه المیزان از جایگاه رفیع مفسری محقق و حکیمی بزرگ با اشراف به ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی اثری جاوید پدید آورده که نسبت به آنچه در عرصه تفکر زمان می‌گذشته جامع و ناظر است، به سخن دیگر المیزان از تحولاتی که در عصر آن رخ داده بهره گرفته و بر اساس واقعیت‌ها و نیازها و در راستای پاسخگویی به مشکلات جوامع اسلامی پدید آمده است. مؤلف این اثر گرانسنگ چون دیده‌بانی سترگ و با فراست تمامی حرکت‌های فکری و فرهنگی در این عرصه را زیر ذره‌بین پژوهش‌های پرمایه خود نهاد و با استفاده از نور قرآن و کلام پرتوان وحی به تصحیح اندیشه‌ها پرداخت و جامعه را با کتابی آشنا کرد که ضمن قداست و معنویت خاص و عطری ملکوتی از آن برخاسته است، می‌تواند راهنمای بشریت باشد و آنان را به سرمتمزل مقصود برساند و منبعی عظیم برای کاوش عمیق در معارف ناب قلمداد شود. به همین دلیل علامه سید محمدحسین



به مناسبت

یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)

از نویسندگان ساکن مشهد هم مطالبی بر علیه علامه نگاشت و آن را انتشار داد.<sup>۱۳</sup>

#### اهتمامی با اهمیت

علامه طباطبایی هنگامی که در تبریز بودند، تفسیری بر قرآن کریم از آغاز تا سوره اعراف نوشتند که مختصر بود و از روی همان تفسیر و نوشته‌های جمع آوری شده در این خصوص، به طلاب تدریس می‌نمودند.<sup>۱۴</sup> ولی بعداً بنا شد تفسیری مفصل که شامل تمام نیازمندی‌های روز بوده و جهاد تاریخی، فلسفی، اخلاقی و بحث‌های اجتماعی و روایی در آن رعایت گردد به سبک نوینی بنویسند که خداوند این توفیق را نصیب ایشان نمود. شروع این حرکت عظیم سال ۱۳۷۴ ق. و خاتمه آن در شب قدر بیست و سوم رمضان سال ۱۳۹۲ ق. بود. ایشان در عین نگارش به طلاب حوزه علمیه قم تدریس می‌کردند و بسیاری از افاضل محصلان و طلاب از محضر درس تفسیر ایشان بهره‌مند می‌شدند. در واقع توجه علامه به مقوله تفسیر و تبیین مفاهیم و معارف قرآنی به زمانی دورتر از هنگام هجرت به قم باز می‌گردد یعنی زمانی که در زادگاهش در تکاپوی همین ایده به تدوین آیات مربوط به معاد پرداخت و پس از آن کار تحقیق را بیش از پیش به احادیث تفاسیری و پیرایش و دسته‌بندی آنها متوجه ساخت. علامه با ورود به حوزه علمیه قم به بررسی شرایط و موقعیت علمی و مناسبات حوزه و جامعه پرداخت و بزودی دریافت این مرکز علوم دینی باید در دو زمینه تقویت شود یکی مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و سپس تعمق در مسائل عقلی؛ زیرا قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع شناخت دین آن گونه که باید در میدان مباحثات حوزوی حضور نداشت.<sup>۱۵</sup> چنین احساس خالصانه و ادراک عینی و بینش صحیح در خصوص مباحث قرآنی به تشکیل جلسات متعدد و سرانجام تدوین تفسیر گران سنگ المیزان منتهی شد که از دید اهل نظر و بصیرت اگر ممتازترین کار قرآنی در قرن معاصر به شمار نیاید در ردیف برجسته‌ترین تلاش‌های قرآنی به شمار می‌آید. تفسیری که از دیدگاه علامه شهید مرتضی مطهری یک قرن باید بگذرد تا قدر و جایگاهش شناخته شود. آن اقدام سترگ علامه که از سر اعتقادات پاک و با احساس مسئولیت انجام شد سبب گردید تا اهتمامش پایدار بماند و حتی دانشوران به مطالعه آن نیاز پیدا کنند و المیزان در محافل علمی نامدار گردد. به

نوشته شده است. من می‌توانم ادعا کنم که این تفسیر از جنبه‌های خاصی بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا به امروز نوشته شده است.»<sup>۱۶</sup> و در جایی دیگر گفته‌اند: «تفسیر المیزان هم‌ااش با فکر نوشته نشده من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در تفسیر المیزان پیدا نکرده باشم.»<sup>۱۷</sup>

شهید مطهری به یکی از شاگردان خود گفته بود: «اصولاً بیشتر مطالبی را که در کتاب‌ها و نوشته‌های خود دارم ریشه‌هایش را از علامه طباطبایی و به خصوص از المیزان گرفته‌ام. علامه خیلی شخصیت عجیبی است. ایشان یک سبک بیان و اسلوب خاصی دارند. عالی‌ترین مسائل معارف را آنچنان به راحتی و در جملات کوتاه بیان می‌فرمایند که وصف ناشدنی است. به نظر من ایشان مطالب را در یک حالت الهام مانتندی می‌نویسند.»<sup>۱۸</sup>

علامه طباطبایی به نوشتن مطالب تفسیری اکتفا نکرد و در ضمن تألیف تفسیر المیزان درس تفسیر قرآن را که قبلاً در حوزه‌ها سابقه نداشت رسمی کرد، چنین تلاش‌هایی با آن مایه‌های والای علمی آن هم از سوی دانشمندی مذهب، مخالفت گروهی تنگ نظر را که دچار انجماد فکری بودند و هر گونه تحولی را بر نمی‌تابیدند، برانگیخت و حتی کتابی در مخالفت با تفسیر المیزان به نام حول المیزان نوشته شد. آن چنان این ابرهای تیره و تار و غبارهای غوغا گران برای خورشید فروزانی چون علامه طباطبایی مانع و مشکل ایجاد کرد و به حدی فضا‌های فکری و فرهنگی حاکم بر حوزه‌ها را در خصوص این تفسیر آشفته نمودند که علامه طباطبایی ناگزیر شد تا از مراجع تقلید وقت برای تفسیر شریف المیزان تقریظ بگیرد تا این آتش را که برخی تنگ‌مایگان تنگ نظر برافروخته بودند خاموش کند.<sup>۱۹</sup> حتی شایعه کردند که علامه طباطبایی به بهانه تفسیر قرآن به قرآن از مسیر اهل بیت (ع) فاصله گرفته است، عده‌ای تحت تأثیر این اوضاع اسفانگیز با وجود مقام علمی علامه چون از کنارش عبور می‌کردند نه تنها سلام نمی‌کردند بلکه زبان به مذمت و ملامت و حتی توهین می‌گشودند و لذا ایشان را در محاق مظلومیت قرار دادند، گویا یکی

که تا به امروز حدود بیست و چند جلد این تفسیر به قلم این ناچیز ترجمه شده بود و استاد عالیقدر ما - علامه طباطبایی... مایل بودند همه این کتاب به یک نسق و یک قلم ترجمه شود و به این هئیر امر فرمودند تا بقیه مجلدات آن را نیز ترجمه کنم و نیز از آن جایی که مخالفت امر ایشان را شایسته نمی‌دیدم دستورشان را پذیرفته و ده جلد اول این دوره تفسیر را بار دیگر ترجمه می‌کنم تا همه چهل جلد آن به یک قلم ترجمه شده باشد...»

استاد سید محمدباقر موسوی همدانی اظهار داشته است زحماتی که در این راه متحمل شده‌ام و امید است مورد قبول خدای عز و جل قرار گیرد آنقدر بود که در طول بیست سال و در خلال مقابله چهل جلد، مکرراً مرحوم استاد از حقیر تشکر می‌کرد و می‌فرمود زحمتی که شما در این کار تحمل کرده و می‌کنید خیلی بیشتر از زحماتی است که من در تهیه متن اصلی آن تحمل کردم. در طول این مدت گاه می‌شد که متن عربی مفهوم نمی‌گردید و با ایشان در میان می‌گذاشتم و ایشان معنای عباراتی را که خود نوشته بودند، مطالعه می‌کردند و سرانجام با تبادل نظر چیزی قریب به آن الفاظ می‌نوشتیم و ایشان می‌پسندیدند اما شیوه ترجمه من در کار تفسیر این بود که متن عربی را با دقت می‌خواندم به طوری که هیچ نقطه ابهامی بر اینم باقی نماند آنگاه به فارسی می‌نوشتیم.»

دوره چهل جلدی ترجمه المیزان نخست توسط کانون انتشارات محمدی و سپس در بیست مجلد توسط بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری نشر جاهد در تهران به طبع رسید دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در مهر ماه سال ۱۳۶۳ این مجلدات چهل گانه را با پاره‌ای اصلاحات در بیست مجلد به چاپ رساند. امتیاز این چاپ نسبت به طبع‌های دیگر نخست آن است که هم چون اصل مجلدات عربی در بیست جلد تدوین شده است؛ دیگر آن‌که با ویرایش و تبدیل برخی جملات یا کلمات غیر مصطلح، استخراج منابع و مدارک روایات ارائه شده و دارای فهرست مطالب است اما به دلیل آن که چهل جلد در بیست مجلد فشرده شده حروف کتاب ریز است. یادآور می‌شود اگر چه در دوره چاپ شده اخیر اصلاحاتی صورت گرفته ولی ساختار جملات همچنان به حالت قبلی خود باقی است و در پاره‌ای از عبارات نکاتی مبهم دیده می‌شود و متن را از حالت روانی و شیوایی دور می‌کند این حالت موجب می‌شود که خواننده از مطالعه مطالب لذت نبرد و به علاوه به آسانی مقصود مولف را دریابد. البته دلایل این نارسایی این است که متن عربی المیزان خود اثری ثقیل بوده و به سهولت نمی‌توان روح مطالب آن را به فارسی شیوا و روان

همین دلیل المیزان قبل از آن که در قم تجدید طبع گردد بارها در لبنان به حلیه طبع آراسته گردید و قبل از آن که متفکران شیعی به بررسی و تحلیل و نقد آن بپردازند در همان آغاز محققان مصری از علامه طباطبایی تقدیر می‌کنند و المیزان را ارج می‌نهند.<sup>۶</sup>

اصل این تفسیر به زبان عربی و در بیست مجلد نوشته شده که شامل ۸۰۴۱ صفحه است. اولین مجلد آن در سال ۱۳۷۵ ق. (۱۳۳۴ ش.) انتشار یافت، مجلدات دیگر نیز یکی پس از دیگری به طبع رسید تا بیست جلد آن تکمیل شد. اولین بار مؤسسه الاعلمی للمطبوعات دوره کامل المیزان را در بیروت چاپ کرد که چندین بار تجدید طبع شد و در چاپ جدید دو جلد فهراس به آن افزوده شد یکی دلیل المیزان فی تفسیر القرآن شامل راهنما و فهرست المیزان به قلم الیاس کلانتری است و دیگری فهرست جدیدی از عادل عبدالجبار ثامر است. انتشارات اسماعیلیان قم نیز به نشر این اثر همت گماشت که چاپ پنجم آن در سال ۱۳۷۱ ش. منتشر شد. دار الکتب الاسلامیه (آخوندی) نیز چندین بار تفسیر مزبور را به چاپ رسانید که طبع سوم آن در سال ۱۳۹۷ ق. بود. چاپ جدیدتر را دفتر انتشارات اسلامی به صورت اُفست از چاپ مؤسسه الاعلمی بیروت به طبع رسانده است.

در همان سال‌های نخست، علاقه‌مندان به تفسیر قرآن از علامه طباطبایی خواستند که نسبت به ترجمه المیزان عنایتی مبفول دارند. ایشان پذیرفتند و این مهم را به برخی از اساتید حوزه که در زمره شاگردان دانشمندان ایشان به حساب می‌آمدند سپردند. به دنبال آن پنج مجلد از المیزان در ده جلد فارسی ترجمه شد. آیات و حجج اسلام ناصر مکارم شیرازی (ج اول)، محمدتقی مصباح یزدی (ج دوم)، عبدالکریم نیری بروجردی (ج ۳)، محمدرضا صالحی و سید محمد خامنه‌ای (ج ۴)، محمدجواد حجتی کرمانی و محمدعلی گرامی (ج ۵)، سید محمدباقر موسوی همدانی (ج ۶)، محمدرضا صالحی کرمانی (ج ۷)، سید محمد خامنه‌ای (ج ۸)، محمدجواد حجتی کرمانی (ج ۹)، و محمدعلی گرامی (ج ۱۰) آن اثر گرانقدر را ترجمه کردند. نشر این مجلدات را مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم در قم به عهده گرفت. در همین زمان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدباقر موسوی همدانی، که از شاگردان خاص علامه بود، ترجمه دیگر مجلدات المیزان را در دست اقدام داشت. وی در مقدمه جلد اول ترجمه تفسیر المیزان می‌نویسد:

«... ترجمه پنج جلد عربی تفسیر المیزان در ده جلد فارسی به قلم چند تن از فضلاء ارجمند حوزه قم نوشته و حتی چاپ شده بود و حاجت نبود که این ناچیز با نداشتن بضاعت علمی، باری دیگر آن را ترجمه کنم لکن از آن جایی



به مناسبت  
یکصدمین سالگرد تولد  
علامه طباطبایی (ره)

میان دو نیمه المیزان بسیار ملموس است. در مواردی متن آیات یک صفحه را شامل می‌شود ولی بیش از نصف صفحه تفسیر و توضیح ندارد، اما در نیمه اول تفسیر برعکس است. برخی چنین برداشت کرده‌اند که علامه طباطبایی می‌خواسته اهداف صاحب تفسیر المنار را تعقیب کند اما با الهام از مکتب اهل بیت (ع) پیام‌ها و نگرش‌های خود را طرح نماید و در واقع المیزان حاشیه‌ای بر این گونه تفاسیر باشد و جالب آن است که تا آن جا که تفسیر المنار به دست ایشان رسیده یعنی تا سوره یوسف ایشان تفصیل موضوعات قرآنی را در پرتو مکتب ائمه هدی برگرفته است.

اما بدون اغراق باید خاطر نشان ساخت که علامه طباطبایی با نگرش این تفسیر در واقع در اقیانوس معارف قرآنی به غواصی پرداخت و گوهرهای ارزنده‌ای را به دست آورد و این اثر به منزله دایره‌المعارف بسیار ارزنده‌ای از علوم اسلامی است. در تفسیر المیزان علاوه بر مطالب تفسیری، مباحث علمی، اجتماعی، تاریخی و فلسفی بسیار مهم و جالبی مناسب با بعضی آیات آمده است که در کمتر کتاب تفسیری می‌توان ناظر چنین ویژگی‌هایی بود، این مشخصات موجب شد تا کتاب‌هایی برای سهولت استفاده از منابع عظیم علمی تفسیر المیزان نوشته شود، از این جهت آقای الیاس کلانتری راهنما و فهرست ترجمه این تفسیر را به نگارش در آورد<sup>۱۱</sup> او در آغاز کار، تنظیم کتاب مذکور را به استحضار علامه طباطبایی رسانید که با استقبال آن حکیم مفسر مواجه شد. برای تهیه این فهرست نخست تمام موضوعات تفسیر المیزان به طور کامل بررسی و تحقیق شده و عناوینی از موضوعات آن که راهنمای مطالب مطروحه است تنظیم شده است. این عنوان‌ها در حد امکان به همان هیئت مندرج در تفسیر است تا به سهولت مطالب مورد نظر در کتاب پیدا شود. اما اگر درباره یک موضوع در مجلدات گوناگون بحث شده تمامی آنها بدون ترتیب جلدها نوشته شده است؛ به این دلیل که در خود تفسیر این ترتیب دیده نمی‌شود. راهنمای مزبور مباحث لغوی و تفسیر اجمالی همه آیات را دربر نمی‌گیرد و با وجود دقت‌های پدید آورنده و همکارانش پاره‌ای موضوعات از قلم افتاده‌اند. نکته دیگر این که ترتیب موضوعات راهنما براساس حروف عین کلمات در زبان فارسی است نه به ترتیب اصل و ریشه آنها و

برگرداند. شیوه المیزان نیز فلسفی، کلامی و در مواقعی عرفانی است و انتقال چنین مباحث‌های علمی به زبان غیر مبدأ کار ساده‌ای نمی‌باشد و بطور طبیعی نمی‌توان انتظار داشت که روح متن عربی در اثر ترجمه شده کاملاً آشکار باشد. انجام این مهم در ترجمه المیزان کار دشواری بوده و مترجم همان گونه که اشاره گردید در این راستا رنج زیادی را بر خود هموار ساخته است و از این جهت تلاش مرحوم حجت الاسلام سید محمدباقر موسوی همدانی شایسته ارج است به خصوص آن که نامبرده از شاگردان برجسته علامه بوده و با علوم قرآنی و مباحث عقلی و نقلی آشنایی کافی داشته و ترجمه این اثر به پیشنهاد علامه و زیر نظر آن مفسر عالیقدر انجام پذیرفته است و می‌توان گفت در بیشتر موارد لطایف و ظرایف متن عربی تفسیر از نظر وی دور نبوده و به ترجمه انتقال یافته است، ولی نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که متن فارسی تفسیر المیزان استواری، انسجام، فصاحت و بلاغت متن عربی را ندارد و لازم است اصلاحاتی در پاره‌ای عبارات و ویرایش در برخی مضامین صورت گیرد تا متن فارسی خواندنی‌تر و پرفایده‌تر باشد.<sup>۱۲</sup>

مولاناسعید اختر رضوی تفسیر المیزان را به زبان انگلیسی ترجمه کرد که تاکنون هشت جلد آن را شامل چهار جلد نخست متن عربی المیزان از آغاز قرآن تا آیه ۷۶ سوره نساء، مؤسسه جهانی خدمات اسلامی در تهران انتشار داده است. محمد معلم‌زاده تفسیر جزء سی‌ام قرآن (بخش آخر المیزان) به زبان اسپانیولی برگردانیده و مؤسسه التوحید در مرکز آرژانتین (بوینس آیرس) به چاپ رسانده است. جلد اول تفسیر المیزان، شامل سوره حمد و ۱۸۶ آیه از سوره بقره را آقای وحید الدین اینجه به زبان ترکی استانبولی ترجمه کرد که با بازبینی هیئت تطبیق و تصحیح و با همکاری بنیاد جوانان اهل بیت در اروپا در ۶۱۹ ص به طبع رسید. تفسیر المیزان به زبان اردو هم انتشار یافته است.

#### فهارس (فهرست‌های المیزان)

تفسیر المیزان جامع‌ترین تفسیر شیعه پس از مجمع‌البیان است و یکی از چند تفسیر عمده و اساسی قرون جدید به شمار می‌آید<sup>۱۳</sup> و موضوعات تفسیری آن تا سوره یوسف با شرح و بست بیشتر و با برداشت‌های گسترده‌تر بحث شده‌اند، ولی مولف در تفسیر بقیه قرآن به اختصار گذشتند و این دو گانگی

انواع پرستش‌ها، مکاتب فلسفی، حکومت‌ها و نظام‌های اجتماعی اقتصادی.

ز) فهرست وقایع و ایام: شامل وقایع تاریخی، اجتماعی و سیاسی، ازمنه، اعوام، شهور، اعصار، ایام و لیالی، جنگ‌ها، فتوحات و نهضت‌ها، معاهدات، بیعت‌ها، اعیاد، قصص، معجزات انبیای عظام و موارد مشابه.

ح) فهرست کتب رسانه‌ها و مجله‌ها: مشتمل بر اسامی تمامی کتب، رسالات و مجلاتی که در المیزان آمده است و از آن جا که تمامی این آثار مورد استناد مولف المیزان قرار گرفته، مولف کوشیده است حتی المقدور نام مولف هر اثر را در کنار کتاب مربوط به او بیاورد اما این شیوه کلیت ندارد ولی اکثریت قریب به اتفاق کتاب‌ها را در بر می‌گیرد.

ط) فهرست اصطلاحات، لغات، ترکیبات و تعبیرات: به ترتیب اهمیت شامل اصطلاحات، لغات، ترکیبات و تعبیراتی است که تعریفی از آنها به اجمال یا تفصیل در المیزان آمده است محور واژگان مندرج در این فهرست مصطلحات علمی اعم از فلسفی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، عرفانی، اخلاقی، تربیتی و مانند آن است.

ی) فهرست اسامی جانوران، گیاهان و کانی‌ها: اسامی پرندگان، خزندگان، چهارپایان، درندگان، حشرات، حیوانات دریایی، درختان، گل‌ها، میوه‌ها، سبزیجات، سنگ‌های معدنی، فلزات، گوهرها و مسکوکات به انضمام فرآورده‌های حیوانی، نباتی و کانی.

ک) فهرست اسامی اصنام، ملائکه و تعبیرات مشابه: عناوین این فهرست را اسامی الهه‌ها، بت‌ها و فرشتگان تشکیل داده است. همچنین تعابیر خاصی که در هیچ کدام از فهرست‌ها جای نمی‌گرفته به این فهرست منضم گردیده است که عبارت‌اند از نام برخی از اشیاء و آلات، وسایل، گیاهان و جانداران که به تنهایی از خصوصیتی برخوردار بوده‌اند و یا در اثر اضافه علمیت یافته‌اند.

ل) فهرست اشعار عربی و فارسی: شامل مجموعه‌ای از سروده‌های عربی و فارسی است که در المیزان از آنها استفاده شده که بر حسب حرف آخر ابیات و مصارع به شیوه الفبایی تنظیم یافته است، نویسنده حتی المقدور اسامی گویندگان پاره‌ای از اشعار مصرع‌ها را که در المیزان نیامده، ذکر کرده است.

مفتاح المیزان با ترجمه المیزان که در بیست مجلد توسط بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی چاپ شده تطبیق می‌کند و مرکز نشر فرهنگی رجا در سال ۱۳۶۷ ش. آن را به طبع رسانید.

این فهرست همچون برخی فهرست‌های مشابه به شیوه نقل و درج و تنظیم الفبایی واژگان (بدون اصلاحات، اضافات،

نه به پیروی از قواعد زبان عربی، همچنین این راهنما با مجموعه چهل جلدی ترجمه المیزان که کانون انتشارات محمدی چاپ کرده است، مطابقت دارد و با چاپ‌های مربوط به بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی و دفتر انتشارات اسلامی که در بیست مجلدند تطبیق نمی‌کند.

این راهنما را عباس ترجمان با عنوان دلیل المیزان فی تفسیر القرآن للعلامة السيد محمدحسین الطباطبایی از زبان فارسی به عربی ترجمه کرده و نخست در قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان و سپس در بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات به چاپ رسانده‌اند.

کتاب مفتاح المیزان را علی‌رضا میرزامحمد در مدت حدود پنج سال به یاری محققان فاضلی چون دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر قاطمه راکعی، شهرام پازوکی، محمدرضا ریخته‌گران، مهدی نعمت‌اللهی، منصور موحزاده، فروغ آقایی و شهین اعوانی به رشته نگارش در آورده که مبتنی بر قریب دویست هزار فیش و نهایتاً بیست و پنج هزار مدخل اصلی و ارجاعی است. مفتاح المیزان که در سه مجلد تنظیم شده بالغ بر دوازده فهرست است:

الف) فهرست مباحث: شامل کلیه عناوین قرآنی، حدیثی، علمی، عقلی، فلسفی، تاریخی، اجتماعی، اخلاقی و مانند آنها که به ترتیب مجلدات ترجمه المیزان از آغاز تا انجام تدوین یافته است. این فهرست نه تنها مرجع عناوین اصلی و فرعی فهرست موضوعات است بلکه اطلاعات ادبی، تفسیری، روایی و علمی را در مورد هر آیه از قرآن به طور جامع و به سهولت در اختیار اهل مطالعه و پژوهش قرار می‌دهد.

ب) فهرست موضوعات: که بر اساس عناوین موضوعی مندرج در فهرست مباحث یادداشت برداری و تدوین شده و اکثر موضوعات کلی مورد بحث در المیزان را دربر می‌گیرد.

ج) فهرست اعلام اشخاص: به پیروی از متن المیزان به صورت نام کامل، اسم مختصر، لقب و کنیه آمده است البته در مواردی که نام کامل اشخاص در المیزان نیامده پدید آورنده نام افراد را داخل پرانتز تکمیل کرده است.

د) فهرست اماکن و بلاد: شامل نام کشورهای، شهرها، روستاها، دریاها، رودها، جزایر، کوه‌ها، دره‌ها، دشت‌ها، غارها، چشمه‌ها، قصرها، قلعه‌ها، معابد، مساجد، کلیساها، دانشگاه‌ها، اجرام و صور فلکی، عوالم، ابنیه تاریخی و اماکن مشابهی که ویژگی خاصی دارند.

ح) فهرست قبایل، امم، فرق و جماعات، مشتمل بر اسامی گروه‌ها، جمعیت‌ها، فرقه‌ها، قبیله‌ها، طایفه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها، سلسله‌ها، نژادها، دولت‌ها، اقوام و همانند آن‌ها.

و) فهرست ادیان، مذاهب و مکاتب: در برگزیده عناوین مربوط به آیین‌ها، ادیان، مذاهب، عقاید، شریعت، مسلک‌ها،



به مناسبت

یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)

همکاران، تشکر و تقدیر تنظیم کننده فهرست از دست‌اندرکاران طبع و نشر مفتاح المیزان و منابع مقدمه، از دیگر موضوعاتی است که در این مقدمه مفصل ناظر آن هستیم.

دفتر انتشارات اسلامی پس از تصحیح و حروف چینی جدید المیزان در بیست مجلد و انتشار آن «فهرست راهنمای موضوعی المیزان» را در قطع وزیری با ۲۳۰ صفحه تنظیم و به طبع رسانید. این فهرست برای موضوعات هر دو تفسیر عربی و فارسی قابل استفاده است و مبنای ترتیب عناوین آن براساس بحارالانوار علامه مجلسی است و به قرار ذیل است:

عقل، علم و حکمت، توحید، عدل، معاد، نبوت، امامت، موجودات، ایمان و فضایل، کفر و ردائیل، حقوق و آداب معاشرت، قرآن و دیگر کتب آسمانی، ذکر و دعا و احکام.

فهارس المیزان فی تفسیر القرآن را ابن فزوع به زبان عربی تنظیم کرده که در سال ۱۴۰۳ ق. در قم چاپ شده است. عادل عبدالجبار نامر فهارس المیزان فی تفسیر القرآن را نگاشته که مؤسسه الاعلمی للمطبوعات در ۵۶۸ صفحه به سال ۱۴۱۷ ق. همراه با دوره المیزان در بیروت منتشر کرده است.

#### خلاصه نگاری

برای تفسیر المیزان خلاصه‌هایی نیز تدوین گردیده است: مختصر المیزان فی تفسیر القرآن به زبان عربی است که مختصرکننده آن سلیم الحسنی است. این اثر تفسیر تمام قرآن را بر اساس المیزان اما به طور فشرده در بر می‌گیرد که در ۶۰۴ ص و در حاشیه قرآن در بیروت مؤسسه المعارف للمطبوعات در سال ۱۴۱۷ ق. به طبع رسانده است. خلاصه دیگری از المیزان با همین عنوان که ذکر شد در پنج مجلد توسط مؤسسه مورد اشاره چاپ شده است. «الیاس کلانتری نیز خلاصه‌ای از المیزان را تدوین کرده است نور من القرآن (المیزان المختصر فی التفسیر) اثری است که کمال مصطفی شاکر تلخیص کرده و در حاشیه قرآن در ۷۲۸ صفحه منتشر شده، ولی اشاره‌ای به این که این اثر تلخیص المیزان است؛ نشده و ناشر آن نیز مشخص نیست. این اثر را به تازگی فاطمه مشایخ ترجمه کرده که در دو جلد در تهران چاپ شده است.

ارجاعات و تصحیح‌های لازم فراهم نیامده است بلکه در تدوین آن همواره اهتمام بر این بوده که گذشته از اعمال روشی مطلوب در فهرست‌نگاری، همراه با دقت کافی، تحقیق مفصّلی در مواد فهرست صورت پذیرد تا اهل مطالعه و تحقیق به هنگام مراجعه چندان نیازی به بررسی و تحقیق مکرر نداشته باشند، نکته‌ای از نظرشان پوشیده نماند و به موضوعات و عناوین خویش به سهولت دست یابند. برای عملی ساختن این منظور پس از پایان مرحله فیش‌نویسی و تفکیک و دسته‌بندی و تنظیم الفبایی فهارس، مولف با همکاری محققانی که به نامشان اشاره کردیم درباره بیشتر الفاظ و عناوین پژوهش کرده‌اند و با مراجعه مکرر و پیوسته به منابع مختص هر فهرست اصلاحات، تصحیحات، اضافات و ارجاعات لازم را انجام داده‌اند. نویسنده و یاران پژوهشگر او برای منقح نمودن عناوین مطروحه در مفتاح المیزان به ۶۸ مأخذ مراجعه کرده‌اند. پدید آمدن چنین اثری بر سه محور اصلی استوار بوده است:

۱ - آشنایی اهل مطالعه با مبانی علمی و ارزش‌های اصیل اسلامی و نیز رفع ابهام‌های فکری و کلامی.

۲ - آگاهی اهل فضل و دانشوران از نظریات علمی و فرهنگی مولف المیزان.

۳ - به وجود آورد فضای علمی مناسب مبتنی بر ارزش‌های الهی که در پرتو آن بتوان به شیوه‌ای معقول از نظریات علمی و دقیق علامه طباطبایی در نقد و تحلیل و بررسی آثار علمی پژوهندگان علوم انسانی مدد جست.

بر این اثر علامه حسن‌زاده املی تقریظی نوشته که در فرازی از آن آمده است:

«... از همت والای خدیم علم و ندیم قلم... حضرت آقای میرزا محمد و تنی چند از ذوات دانشور و پژوهشگر... کتاب کریمی موسوم به مفتاح المیزان که در آن انواع فهرست مطالب آن دایرة المعارف قرآنی (المیزان) به حضور تشنه‌گان آب زندگی دانش عرضه شده [است].»

در مقدمه ۹۹ صفحه‌ای مفتاح المیزان پس از توضیحات مولف، المیزان از دیدگاه دانشوران بررسی شده، سپس پدیدآور هدف و روش خود را توضیح داده، نکات لازم را یادآور شده و مصادر تحقیق را ذکر کرده است. درج نشانه‌های اختصاری، اسامی

در المیزان اختصاص دارد و با همین مشخصات به طبع رسیده است.

#### با نوشت‌ها:

- ۱ - میراث ماندگار، ج اول، بخش دوم، ص ۱۳۶
- ۲ - سیره و روش اخلاقی علامه طباطبایی، ابوذر ابراهیمی، ص ۴۴
- ۳ - یادنامه علامه طباطبایی، سخنی پیرامون شخصیت استاد، ص ۳۹
- ۴ - «گفت و گو با آیه الله محمد هادی معرفت»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۶۸
- ۵ - مهر تابان، علامه تهرانی، ص ۴۳
- ۶ - جایگاه المیزان در میان تفاسیر، استاد محمد علی راد، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۸، ص ۱۲
- ۷ - یادنامه علامه طباطبایی، ص ۲۰۱ - ۲۰۰
- ۸ - مجله وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، ص ۲۵؛ جرعه‌های جانبخش، ص ۲۲۷
- ۹ - حق و باطل، شهید مطهری، ص ۸۹
- ۱۰ - جرعه‌های جانبخش، ص ۲۳۵
- ۱۱ - جلوه‌های معلمی استاد، ص ۱۷۴
- ۱۲ - «گفت و گو با آیه الله مسلم ملکوتی»، بصائر، سال سوم، ویژه علامه طباطبایی، ص ۶
- ۱۳ - «گفت و گو با آیه الله گرامی»، همان ماخذ، ص ۱۰
- ۱۴ - مهر تابان، ص ۴۱، مجله بصائر، سال سوم، ویژه‌نامه علامه طباطبایی ص ۱۴
- ۱۵ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۹۸
- ۱۶ - دومین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۲۸۵
- ۱۷ - مجله وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۲
- ۱۸ - در این زمینه بنگرید به مقاله «نگاهی به ترجمه‌های المیزان از دریچه نقد»، یوسف غلامی، مجله بصائر، سال سوم، ویژه‌نامه علامه طباطبایی.
- ۱۹ - مجله شکوه، شماره ۱۰، ص ۹ و فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۵۱
- ۲۰ - تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۱۱۵
- ۲۱ - این راهنما را انتشارات اوج در تهران به چاپ رسانیده است
- ۲۲ - فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۵۵
- ۲۳ - فصلنامه بینات، شماره ۶، ص ۱۸۴

کتاب معارف قرآن در المیزان به منزله مرجع یا فرهنگ معارف قرآن است که از تفسیر المیزان انتخاب و تلخیص و بر حسب موضوع طبقه بندی شده است. سید مهدی امین که این اثر را پدید آورده در خصوص انگیزه تدوین آن می‌نویسد که مجموعه‌ای خلاصه که بتواند به صورت یک کتاب مرجع و در قالبی ساده و مناسب فهم طبقات عمده جامعه اسلامی معارف قرآن را بشناساند، کمتر در دسترس بوده است. پس از انتشار تفسیر المیزان و شرح و بسط معارف قرآن به صورت تازه در آن، در واقع پاسخ بسیاری از سوالات فکری جامعه مسلمان (و غیر مسلمان) داده شد و خواننده را با معارف مکتب خود آشنا کرد. اما تلخیص این معارف و تنظیم آن با یک طبقه بندی خاص (بر اساس انتخاب اصل مطلب) برای آن که نشر این معارف را آسان و عمومی سازد و خواننده به صورت یک کتاب مرجع بدان رجوع کند ضروری به نظر می‌رسید. مطالب این مجموعه شامل چندین مجلد خواهد بود که در انتخاب فصول آن روال ذیل ملحوظ گردیده است: معارف قرآن در شناخت خدا، جهان و نظام آفرینش، خلقت انسان، فطرت انسان، تاریخ بشریت و مدنیت و ادیان آسمانی، ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم(ص)، تمدن و قوانین جامعه صالح و موعود اسلامی، اصول تربیت و خانواده اسلامی، شناختی از مرگ، برزخ، قیامت، دوزخ، بهشت و بازگشت به الله.

این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که علامه طباطبایی در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی آنها را شرح و بسط و تفهیم کرده است. به رغم آن که تحت عناوین گوناگون مطالب متعدد نقل شده است گاهی در محتوای مطالب تشابه تکرارگونه به نظر می‌رسد. از این مجموعه تاکنون سه جلد با مشخصات ذیل انتشار یافته است:

جلد اول، (معارف قرآن در شناخت خدا)، ۴۶۰ صفحه؛ جلد دوم، (معارف قرآن در شناخت جهان)، ۲۲۳ صفحه؛ جلد سوم (معارف قرآن در شناخت ملائکه، جن و شیطان)، ۳۴۴ صفحه. اثر مزبور گزینش موضوعی مباحث المیزان بر اساس ترجمه چهل جلدی المیزان است و ناشر آن سازمان تبلیغات اسلامی است.

آقای شمس‌الدین ربیعی به تقاضای مؤسسه انتشارات نور فاطمه مطالبی را به صورت موضوعی از المیزان گزینش نموده که عنوان کلی آن با علامه در قرآن است، اما هر جلد با عنوان خاصی تنظیم گردیده است. به عنوان نمونه، جلد اول به خلقت و خلافت آدم



به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)